

جنبش عدم تعهد، فرصت های اقتصادی و تجاری

دکتر مهدی فتح اله، رییس موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

فارس

رهبران جنبش عدم تعهد در حالی در تهران گرد هم می آیند که موقعیت این جنبش در صحنه جهانی نسبت به زمان شکل گیری آن در دهه ۱۹۶۰، کاملاً متفاوت شده است؛ در آن مقطع و در زمانی که این نهاد در سال ۱۹۶۱ بنیان نهاده شد، مهمترین وجه مشترک اعضا، جایگاه نامناسب آنها در ساختار قدرت و ثروت بین المللی و فقر فراگیر در این کشورها بود. بنابراین به طور طبیعی، دستور کار این کشورها و این اجلاس در آن مقطع زمانی، شکوه از سیاست های ابرقدرت ها بود. اما در وضعیت فعلی، بسیاری از کشورهای عضو این جنبش و به طور کلی، جهان در حال توسعه، به مهمترین کانون رشد اقتصادی در دنیا تبدیل شده اند. شاهد این مدعا، آنکه مهمترین قدرت های در حال ظهور و امیدهای آینده اقتصاد جهانی، در جهان در حال توسعه و از اعضای این جنبش هستند و دیگر آنکه بخش اعظم طبقه متوسط جهان (که به سرعت نیز رو به گسترش است)، در این کشورها ساکن هستند.

بنابراین، فرصت های ناشی از برگزاری اجلاس عدم تعهد در تهران برای کشوری با مختصات ایران را می توان به طور عمده در حوزه اقتصاد و تجارت سراغ گرفت. مناسبات اقتصادی خارجی ایران در سه دهه گذشته و به ویژه در سال های اخیر، خواسته یا ناخواسته، یک تغییر استراتژیک به خود دیده است و آن اینکه پس از چند دهه، کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای آسیایی، به مهمترین شرکای تجاری ایران مبدل شده اند؛ به بیان دیگر، تغییر در قطب های ثروت و قدرت بین المللی، با سرعت بیشتری بر وضعیت ایران تأثیر گذاشته است؛ به گونه ای که کشورهای در حال توسعه، هم به مهمترین مقاصد صادراتی ایران به ویژه خریداران نفت این کشور و هم به مهمترین بازارهایی که ایران نیازهای وارداتی خود را از آنها تأمین می کند، تبدیل شده اند. از آنجایی که احتمالاً تنش ایران و غرب تا آینده میان مدت تداوم خواهد یافت، بنابراین جهان در حال توسعه که به شدت در حال رشد است، تنها روزنه استراتژیک پیش روی کشور محسوب می شود. از این رو، برگزاری این اجلاس، فرصتی را فراهم می آورد تا پیوندهای اقتصادی - استراتژیک جدیدی را بتوان با کشورهای آینده دار در این منطقه شکل داد.

طبیعی است که در کوتاه مدت، توجه و تمرکز در تعامل با کشورهای عضو عدم تعهد، باید در راستای کاهش آثار تحریم ها باشد اما این جنبش و به ویژه اعضای کلیدی آن، گشایشی استراتژیک برای آینده ایران به شمار می آیند و ضرورت دارد که نگاه اقتصادی – استراتژیک به این کشورها، بلندمدت و بر مبنای خیزش کشورهای در حال توسعه و نقش روزافزون آنان در تجارت جهانی باشد. در حال حاضر کشورهای در حال توسعه، حدود دو سوم تولید ناخالص داخلی جهان را تولید می کنند و بزرگ ترین بازارهای در حال ظهور در این کشورها قرار دارند.

کوتاه سخن آنکه مهمترین فرصتی که جنبش عدم تعهد و تعامل با اعضای کلیدی این جنبش برای ایران فراهم می آورد، نه در حوزه سیاست و ژئوپلتیک، بلکه در حوزه صنعت و تجارت است. جنبش عدم تعهد به لحاظ سیاسی مجمعی متفرق و دارای تعارضات گسترده میان اعضای آن بر سر موضوعات مختلف است اما در حوزه اقتصاد و تجارت، کشورهای در حال توسعه عموماً چه در نهادهای بین المللی و چه در بسط مناسبات دوجانبه، از منافع مشترک گسترده ای برخوردارند. بنابراین، نقطه قدرت و جنبه فرصت زای این جنبش برای ایران، برخلاف تصور عمومی، نه در حوزه سیاست و قدرت، بلکه در حوزه تعاملات بلندمدت اقتصادی است.

اینکه ایران توانسته در برابر تحریم های شدید غرب تاب بیاورد، تا حد قابل توجهی مرهون شکل گیری کانون های جدید قدرت در اقتصاد جهانی است که همگی این کانون ها در جهان در حال توسعه قرار دارند؛ به بیان دیگر، اگر تحریم هایی که امروز بر علیه ایران برقرار شده است، در دهه ۱۹۹۰ و زمانی که جهان در حال توسعه، جایگاه چندانی در اقتصاد جهانی نداشت اعمال می شد، مقاومت در مقابل آنها بسیار دشوارتر از وضعیت کنونی می بود.

بنابراین می توان اینگونه نتیجه گرفت که خیزش جهان در حال توسعه که جنبش عدم تعهد، مهمترین نماد آن به شمار می آید، گشایشی استراتژیک پیش روی ایران قرار می دهد. نکته قابل توجه اینکه این گشایش، نه در حوزه سیاست، بلکه در حوزه اقتصاد و تجارت است و لازمه بهره گیری از آن، اتخاذ دید بلندمدت و استراتژیک در مورد روندها و فرایندهای جدید جهانی و نه دید کوتاه مدت، مقطعی و شعاری است.